



A Phenomenological Study of Spatial Experience in Tehran's 15 Khordad Square

Razieh Fathi<sup>1</sup> | Ali Asgari<sup>2</sup> |

1. PhD Candidate in Architecture, Faculty of Art and Architecture, University of Science and Culture, Tehran, Iran. [r.fathi.arch@gmail.com](mailto:r.fathi.arch@gmail.com)

2. Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. [al\\_asgari@sbu.ac.ir](mailto:al_asgari@sbu.ac.ir)

**Article Info:**

**Article type:**  
**Research Article**

**history:**  
**Received:**  
2025/04/03  
**Published:**  
2025/11/22

**Keywords:**

Sensory perception, Spatial quality, Lived experience, 15 Khordad Square, Phenomenology

**Abstract:** Issue Statement: Spatial perception in historic urban squares extends beyond purely physical and functional analyses and is deeply connected to lived experience, collective memory, and the multisensory engagement of users. These spaces operate as environments where the bodily, mental, and emotional dimensions of human presence intersect, thereby shaping urban identity and meaning. Tehran's 15 Khordad Square, influenced by the spatial principles of the Persian garden and located near governmental institutions, the Grand Bazaar, and Golestan Palace, represents a significant example of such urban environments. The presence of water, vegetation, environmental sounds, diverse textures, and coherent geometry has contributed to the formation of a multidimensional sensory experience.

**Research Question:** How do natural, geometric, and perceptual elements contribute to shaping users' spatial experience in Tehran's 15 Khordad Square?

**Research Objectives:** This study aims to investigate the sensory-spatial experience of users in Tehran's 15 Khordad Square and to explain the role of natural, geometric, and perceptual components in forming this experience. It further seeks to clarify how sensory engagement enhances the experiential quality of historic urban spaces.

**Research Methodology:** The research adopts a qualitative approach based on phenomenological methodology. Data were collected through field observation, semi-structured interviews, and sensory evaluations focusing on olfactory, auditory, and tactile perception. The gathered data were analyzed using open coding techniques to identify recurring themes and interpret users' lived experiences within the square.

**Key Findings and Research Conclusion:** The findings indicate that Tehran's 15 Khordad Square, despite certain shortcomings, has created a suitable context for multisensory spatial experience through a design inspired by Persian garden principles. The natural sounds of water, the fragrance of vegetation, soil humidity, direct interaction with water, and tree shading contributed to a calm, familiar, and memorable atmosphere. The areas surrounding pools and green spaces attracted the highest level of user presence and activity. Although the square suffers from limited color diversity, weak visual connections, and inactive surrounding facades, it still possesses valuable sensory capacities that can serve as a model for the regeneration of historic urban spaces. Conscious integration of these qualities into urban design can support the creation of experience-oriented environments responsive to both functional and aesthetic needs.

**Cite this article:** Fathi, R.; Asgari, A. (2025). A Phenomenological Study of Spatial Experience in Tehran's 15 Khordad Square, *Architectural & Environmental Research* 3(4), 61-85. <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2057053.1180>

© The Author(s).

**Homepage:** [jaer.znu.ac.ir](http://jaer.znu.ac.ir)

**Publisher:** University of Zanjan





## تحلیل پدیدارشناسانه ادراک فضایی در میدان پانزده خرداد تهران

راضیه فتحی <sup>۱</sup> | علی عسگری <sup>۲</sup>

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران. رایانامه: [r.fathi.arch@gmail.com](mailto:r.fathi.arch@gmail.com)  
۲. استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: [al\\_asgari@sbu.ac.ir](mailto:al_asgari@sbu.ac.ir)

### اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ‌ها:

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۴

انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

### واژگان کلیدی:

میدان پانزده خرداد، ادراک حسی، تجربه زیسته، پدیدارشناسی، کیفیت فضایی.

**چکیده:** بیان مسئله: ادراک فضا در میدان‌های تاریخی شهری فراتر از ابعاد کالبدی و عملکردی است و در پیوند با تجربه زیسته، حافظه جمعی و ادراک چندحسی کاربران شکل می‌گیرد. میدان پانزده خرداد تهران، با تأثیرپذیری از الگوی باغ ایرانی و مجاورت با بازار، کاخ گلستان و نهادهای حکومتی، نمونه‌ای شاخص از این فضاهاست. حضور آب، گیاه، صداهای محیطی و هندسه منظم، تجربه‌ای چندوجهی و ادراکی برای کاربران ایجاد کرده است. سؤال تحقیق: عناصر طبیعی، هندسی و ادراکی چگونه در شکل‌گیری تجربه فضایی کاربران در میدان پانزده خرداد تهران نقش دارند؟

اهداف تحقیق: این پژوهش با هدف واکاوی تجربه حسی - فضایی کاربران میدان پانزده خرداد و تبیین نقش عناصر طبیعی، هندسی و ادراکی در شکل‌دهی به این تجربه انجام شده است. همچنین ظرفیت‌های حسی و ادراکی میدان در ارتقای کیفیت فضاهای شهری تاریخی بررسی می‌شود.

روش تحقیق: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شده است. داده‌ها از طریق مشاهده میدانی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و ارزیابی حسی در حوزه‌های بویایی، شنیداری و بساویایی گردآوری و با روش کدگذاری باز تحلیل شده‌اند.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: یافته‌ها نشان می‌دهد میدان پانزده خرداد، با وجود برخی کاستی‌ها، به دلیل بهره‌گیری از اصول باغ ایرانی، زمینه‌ساز تجربه‌ای چندحسی شده است. صدای آب، رایحه گیاهان، رطوبت خاک و سایه درختان در ایجاد فضایی آرام و خاطره‌انگیز مؤثر بوده‌اند و نواحی پیرامون حوض‌ها و فضای سبز بیشترین حضور کاربران را داشته‌اند. با وجود ضعف‌هایی مانند کمبود تنوع رنگی و غیرفعال بودن برخی جداره‌ها، میدان همچنان دارای ظرفیت‌های ارزشمند ادراکی است و می‌تواند الگویی برای بازآفرینی فضاهای تاریخی و طراحی فضاهای تجربه‌محور باشد.

استناد: فتحی، رضیه؛ عسگری، علی (۱۴۰۴). هنروتویپا و مکان‌مندی فضای معماری، ۳(۴)، ۸۵-۶۱. <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2057053.1180>

© نویسندگان .

ناشر: دانشگاه زنجان.

DOI: <https://doi.org/10.30470/jaer.2025.2057053.1180>

Homepage: [jaer.znu.ac.ir](http://jaer.znu.ac.ir)



## پرسش‌های تحقیق

- ۱- عناصر طبیعی، هندسی و ادراکی میدان پانزده خرداد چگونه در شکل‌گیری تجربه فضایی کاربران نقش آفرینی می‌کنند؟
- ۲- میدان پانزده خرداد تا چه میزان، با وجود تحولات کالبدی و عملکردی، همچنان قادر است ادراک حسی و فضایی کاربران را تحت تأثیر قرار دهد و تجربه‌ای چندحسی برای آنان ایجاد کند؟

## مقدمه

درک فضا، مفهومی سیال و پویاست که در بستر تعامل مستمر میان انسان و محیط شکل می‌گیرد. این درک، صرفاً حاصل مشاهده یا تحلیل کالبدی نیست، بلکه در بطن تجربه زیسته افراد و در پیوندی عمیق با حافظه، عاطفه و بدنمندی جای دارد (Cao et al., 2024). فضا به مثابه امری زیسته و تجربه‌شده، فراتر از هندسه‌ای خنثی یا بستری برای عملکردهای شهری عمل می‌کند؛ بلکه در پرتو دریافت‌های ذهنی و حسی کاربران، معنا می‌یابد و واجد کیفیت‌هایی می‌شود که در هیچ نقشه یا پلان رسمی قابل ترسیم نیست (Heinrich, 2015). این امر به‌ویژه در فضاهای شهری تاریخی، که در طول زمان در حافظه جمعی ثبت شده‌اند، پررنگ‌تر است؛ فضاهایی که تجربه آن‌ها، همزمان حامل ردپای گذشته و بازتابی از وضعیت امروز است.

در این میان، میدان‌های شهری تاریخی نه فقط به‌مثابه ساختارهایی فیزیکی، بلکه به‌عنوان صحنه‌هایی برای بازنمایی قدرت، فرهنگ، آیین و اجتماع، جایگاهی

منحصربه‌فرد در ساختار ذهنی شهروندان دارند (Bélanger, 2002). آن‌ها مکان‌هایی هستند که تلاقی رویدادهای عمومی، مناسک جمعی، و رفتارهای روزمره را ممکن ساخته‌اند و بدین ترتیب به کانون‌هایی از معنا و حافظه بدل شده‌اند. کیفیت حضور در چنین فضاهایی، تابع عوامل متعددی چون خوانایی محیط، سازمان فضایی، غنای حسی، و امکان برقراری ارتباط اجتماعی است (عرفان منش و محمودی، ۱۴۰۳). از این رو، مطالعه درک فضا در میدان‌های تاریخی، فرصتی فراهم می‌آورد تا با نگاهی فراتر از تحلیل‌های کالبدی صرف، به کشف لایه‌های عمیق‌تری از تجربه انسانی دست یابیم.

افزون بر این، با توجه به نقش میدان‌ها در پیکره شهر و پیوند آن‌ها با عملکردهای حکومتی، فرهنگی و تجاری، کیفیت فضایی آن‌ها مستقیماً بر احساس تعلق و زیست‌پذیری شهروندان اثرگذار است (Javadi, 2016). عناصر طبیعی، نشانه‌های تاریخی، بافت‌های متنوع، و حتی اصوات و رایحه‌های خاص، در ترکیب با نحوه چیدمان فضا و مقیاس‌های انسانی، می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری تجربه‌ای زنده، معنادار و خاطره‌انگیز شوند. درک این فضاها، تنها از خلال حضور بدنی و درگیری حواس با محیط ممکن می‌شود (Ullerup Mathers, 2022). بنابراین، میدان‌های شهری تاریخی را می‌توان به‌مثابه بسترهایی دانست که تجربه ادراک‌شده در آن‌ها، حاصل درهم‌تنیدگی فیزیکی، حسی و فرهنگی است؛ و هرگونه

همچنین تحلیل چگونگی بازتاب مفاهیم باغ‌سازی ایرانی در طراحی میدان، و بررسی نحوه تأثیر آن بر شکل‌گیری تجربه فضایی مخاطب، از اهداف اصلی این پژوهش است. فهم نسبت‌های هندسی موجود در ساختار میدان و تأثیر آن بر ادراک فضایی، به‌ویژه در نسبت با تنها بنای شاخص تاریخی پیرامون میدان یعنی کاخ دادگستری، از دیگر محورهایی است که در این تحقیق دنبال می‌شود. در کنار آن، بازشناسی ظرفیت‌های میدان پانزده خرداد برای برقراری ارتباط چندحسی با کاربران امروز، و همچنین سنجش کیفیت فضایی این میدان از منظر پدیدارشناسانه، به ما امکان می‌دهد تا به درکی عمیق‌تر از تداوم حیات فضایی در میدان‌های تاریخی معاصر دست یابیم.

### پیشینه تحقیق

ادراک فضایی در بافت‌های شهری پدیده‌ای چندلایه و پویا است که فراتر از تجربه صرفاً بصری، در نتیجه تعامل حواس، ذهن و عواطف انسان در بستر زمان و مواجهه مستقیم با فضا شکل می‌گیرد (Beydoun, 2016, 5). این امر به‌ویژه در فضاهای تاریخی اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا معنا و هویت آن‌ها در جریان حضور روزمره و تجربه زیسته افراد فعال می‌شود و بخشی مهم از پیوند انسان با مکان را شکل می‌دهد (سخاوت‌دوست و البرزی، ۱۳۹۸، ۶۱-۶۲). در دهه‌های اخیر پژوهش‌های متعددی به نقش تجربه چندحسی در شکل‌گیری ادراک فضا و رضایت کاربران پرداخته‌اند. پارکر و همکاران در پژوهش خود درباره پیاده‌روی در فضاهای شهری نشان می‌دهند که سطوح و صداها محیطی نه تنها بر احساس ایمنی و آرامش کاربران

مداخله یا بازآفرینی در آن‌ها، نیازمند شناختی چندلایه از این پیوندهای درونی و تاریخی خواهد بود.

در این پژوهش، میدان پانزده خرداد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین میدان‌های تاریخی تهران انتخاب شده است؛ چراکه این فضا نه تنها از نظر کالبدی و عملکردی واجد ویژگی‌های خاص در ساختار شهری پایتخت است، بلکه به‌واسطه مجاورت با بازار تهران، کاخ گلستان و حضور نهادهای حکومتی، از لایه‌های متنوع تاریخی، اجتماعی و ادراکی برخوردار است. این تنوع، میدان را به بستری مناسب برای واکاوی پیوند میان تجربه حسی، خاطره جمعی و سازمان فضایی در بستر یک میدان تاریخی بدل می‌سازد.

در بررسی فضاهای شهری تاریخی، یکی از پرسش‌های بنیادین آن است که به چه میزان میدان‌های شهری گذشته، با وجود تغییرات عملکردی و کالبدی، همچنان قادرند ادراک حسی و فضایی کاربران را تحت تأثیر قرار دهند. میدان پانزده خرداد به‌عنوان یکی از نمونه‌های تاریخی-حکومتی تهران، واجد لایه‌های متعدد ادراکی، عملکردی و تاریخی است که بازخوانی آن می‌تواند به شناخت دقیق‌تری از کیفیت تجربه فضا در بافت‌های تاریخی منجر شود. میزان‌سنجی تأثیرگذاری عناصر طبیعی و مصنوعی، مانند آب، گیاه، بافت کف‌سازی، مبلمان شهری و جداره‌های پیرامونی در تحریک حواس مختلف، به‌ویژه در سه بُعد بویایی، شنیداری و بساویایی، بخشی از این کنکاش نظری و میدانی را شکل می‌دهد.

تعلق و درک تاریخی کاربران را کاهش دهند (Jaff et al., 2023).

در ایران نیز رنجبر کرمانی و میرمیران (۱۴۰۲) در تحلیل گذر هوسم رودسر، حواس مختلف از جمله چشایی، بساوایی، شنوایی، بویایی و بینایی را مؤثر بر کیفیت فضا دانسته و راهکارهایی چون پیونددهی مناسب فضاها، نورپردازی، کاهش آلودگی صوتی، ارتقای مسیرهای پیاده و ایجاد کاربری‌های جذب‌کننده را برای بهبود فرآیند ادراک شهری پیشنهاد کرده‌اند.

در این میان، توجه به ابعاد حسی در تجربه فضا در پژوهش‌های معاصر رو به افزایش است، چراکه فضا تنها بستری کالبدی نیست بلکه محیطی است که از رهگذر ادراک چندحسی، احساس تعلق، آرامش و امنیت روانی را به کاربران منتقل می‌کند. وس‌کاه (۱۳۹۵) با تأکید بر ماهیت چندلایه و ضمنی فضاهای شهری معتقد است که بسیاری از فضاهای امروزی به دلیل گسست از تجربه زیسته کاربران، فاقد صمیمیت و حس امنیت هستند. او پدیدارشناسی و توجه به ادراک حسی را رویکردی مؤثر برای بازشناسی فضا و ارتقای حس تعلق می‌داند. در همین زمینه، صیاد و همکاران (۱۳۹۸) با رویکرد پدیدارشناسی هرمنوتیک نشان می‌دهند که بدن عنصری فعال در ادراک فضاست و می‌تواند منبعی برای بازتعریف آن باشد. آنان سه لایه از تجربه پدیداری فضا را شناسایی کرده‌اند: ادراک حسی پویا، پیوند با نوستالژی جمعی و امکان شهود

تأثیرگذارند، بلکه در شکل‌گیری حافظه‌های بساوایی و شنیداری مکان نیز نقش دارند. از دید آن‌ها، لامسه محدود به تماس پوستی نیست، بلکه شامل ادراک‌های حرکتی، تعادل، موقعیت بدن، حافظه حسی و تجربه ذهنی نیز می‌شود و ارتباطی نزدیک با ادراک تجسم‌یافته از فضا دارد. لمس اشیاء، راه رفتن بر سطوح مختلف، تماس با هوا، دما و رطوبت، نمونه‌هایی از این تجربه‌اند و می‌توانند با خاطره، هویت مکانی و درک میراث فرهنگی پیوند یابند (Parker et al., 2024). در همین راستا، لیو و همکاران بر جنبه تجربی ادراک تأکید کرده و نشان داده‌اند که عوامل محیطی مانند رطوبت هوا که خود تابع شرایط اقلیمی و جغرافیایی است، می‌تواند تجربه ادراکی کاربران را تغییر دهد. همچنین رضایت حسی از محیط می‌تواند بر آسایش تأثیر مثبت بگذارد، چنان‌که بوی خوشایند گیاهان باعث بهبود تجربه حرارتی می‌شود و در کنار هماهنگی فضایی در طراحی، حس راحتی را تقویت می‌کند (Liu et al., 2025).

صوت نیز به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت مکان در بافت‌های تاریخی مطرح شده است. جاف و همکاران در ارزیابی منظر صوتی با تمرکز بر ارگ تاریخی اربیل نشان می‌دهند که صدا یکی از وجوه مغفول‌مانده ادراک مکان است و در کنار مؤلفه‌های بصری باید در حفاظت و بازسازی فضاهای تاریخی مورد توجه قرار گیرد. آن‌ها تأکید می‌کنند که صداهای مدرن مانند ترافیک می‌توانند صداهای فرهنگی را تضعیف کنند و در نتیجه، احساس

دیگری در فضا؛ مفاهیمی که پشتوانه‌ای نظری برای طراحی مبتنی بر تجربه زیسته فراهم می‌کنند.

در مطالعاتی که با تمرکز بر بستر شهر تهران انجام شده، تجربه زیسته، ادراک حسی و نسبت شهروند با فضا در بافت‌های خاص مورد توجه قرار گرفته است. حسینی گوهری و همکاران (۱۴۰۲) نشان داده‌اند که ساختار فیزیکی و ادراک اجتماعی هر دو در شکل‌گیری تجربه شهروندان از فضا نقش دارند و رابطه فرد با فضا تنها به جنبه کالبدی محدود نیست بلکه خاطره، معنا و حضور اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. فتحی و عسگری (۱۴۰۲) نیز در مطالعه‌ای تطبیقی درباره میدان امام خمینی (توپخانه) نشان داده‌اند که انتظام کالبدی و تکرار تناسب هندسی در دوره‌های مختلف تاریخی نقش مهمی در حفظ هویت فضایی و خلق کیفیت ادراکی داشته‌اند و تناسب برگرفته از هندسه ایرانی-اسلامی نه تنها در زیبایی‌شناسی بلکه در تجربه ذهنی کاربران نیز مؤثرند.

میدان و پیاده‌راه پانزده خرداد از جمله فضاهای شهری تاریخی تهران‌اند که به دلیل تاریخ، عملکرد و حضور مداوم شهروندان ظرفیت بالایی برای تحلیل‌های ادراکی دارند. ظریف‌پور لنگرودی و همکاران (۱۴۰۱) در بررسی ادراک‌پذیری نماهای شهری در این محور، مؤلفه‌هایی چون وحدت، هماهنگی، دلبستگی به مکان، تنوع و جذابیت را سنجیده و تأکید کرده‌اند که نماهای سنتی در صورت سازماندهی مناسب می‌توانند به ارتقای کیفیت ادراکی محیط کمک کنند. سجادزاده و حقی (۱۳۹۶) نیز

در مطالعه‌ای تطبیقی میان بازار تاریخی تهران و پیاده‌راه پانزده خرداد، شش عامل کلیدی در کیفیت محیطی این فضاها را شامل فعالیت و عملکرد، دسترسی‌پذیری، پاسخ‌دهی، پیاده‌مداری، سیما و منظر و اجتماع‌پذیری شناسایی کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که پانزده خرداد از برخی جهات مانند عملکرد و دسترسی‌پذیری برتر است، اما در زمینه اجتماع‌پذیری و سیمای کلی بازار وضعیت مطلوب‌تری دارد. از سوی دیگر، شکایات و کوکبی (۱۴۰۱) با تحلیل رویت‌پذیری کاخ گلستان در محور پانزده خرداد نشان داده‌اند که ساختمان‌های اداری جدید موجب کاهش دید به عناصر تاریخی شاخص شده و کیفیت بصری فضا را تضعیف کرده‌اند.

با وجود این مطالعات، اغلب پژوهش‌ها پیرامون پانزده خرداد بیشتر بر جنبه‌های کالبدی، تاریخی، عملکردی یا بصری تمرکز داشته‌اند و بررسی مستقیم و عمیق ادراک چندحسی آن از منظر کاربران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این خلأ پژوهشی نیازمند مطالعه‌ای است که تجربه‌های بویایی، شنیداری و بساواپی را در این میدان تاریخی با رویکردی پدیدارشناسانه تحلیل کند. پژوهش حاضر در همین راستا تلاش دارد میدان پانزده خرداد را نه صرفاً به‌عنوان ساختاری کالبدی بلکه به‌مثابه فضایی زیسته، خاطره‌مند و تجربه‌شده تحلیل کند. در مقایسه با پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به فرم و عملکرد یا تحلیل‌های بصری پرداخته‌اند، این مطالعه با ترکیب روش پدیدارشناسی و تحلیل حسی میدانی، رویکردی چندلایه و

رهگذران، کارمندان، فروشندگان سیار و افراد مسن بود که به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مجموع، ۵۹ نفر در مصاحبه‌ها شرکت کردند و داده‌های حاصل از گفت‌وگوهای آنان مبنای تحلیل کیفی قرار گرفت. انتخاب این تعداد مشارکت‌کننده بر اساس اصل اشباع نظری انجام شد؛ بدین معنا که فرآیند گردآوری داده تا زمانی ادامه یافت که مفاهیم جدیدی حاصل نشود.

تحلیل کیفی داده‌ها از طریق کدگذاری باز صورت گرفت. مفاهیم استخراج‌شده بر اساس تکرار و هم‌پوشانی در چند مقوله اصلی شامل «ادراکات حسی»، «رفتار اجتماعی»، «خوانایی فضا»، «ایمنی و آرامش» و «کیفیت منظر» سازمان‌دهی شدند. گفت‌وگوهای باز با مشارکت‌کنندگان دیدی عمیق‌تر نسبت به نحوه درگیری حواس با عناصر محیطی ارائه داد و امکان تحلیل تجربه فضایی کاربران را فراهم کرد.

در کنار مصاحبه‌ها، نقشه‌های ارزیابی اثرات حسی - محیطی نیز به منظور مستندسازی و سنجش شدت ادراکات به کار رفت. در این مرحله، میدان به شبکه‌ای از سلول‌های ۲۵ مترمربعی تقسیم شد و شدت دریافت حسی در سه حوزه بویایی، شنوایی و بساوایی در چهار سطح مختلف ثبت گردید. ترسیم این داده‌ها در قالب لایه‌های مجزا، نقاط تمرکز و ضعف حسی فضا را نمایان ساخت و تصویری دقیق از توزیع تجربیات ادراکی در میدان ارائه داد.

انسان محور ارائه می‌دهد که می‌تواند به درک ژرف‌تری از میدان پانزده خرداد بینجامد؛ میدانی که با ترکیب عناصر طبیعی، هندسه سنتی و حافظه تاریخی، بستری زنده برای تعامل کاربران با مکان فراهم می‌آورد. چنین نگاهی نه تنها کیفیت ادراکی فضا را افزایش می‌دهد، بلکه به حفظ هویت فرهنگی و ایجاد پیوندی عمیق‌تر میان انسان و مکان نیز کمک می‌کند و می‌تواند مبنایی نظری و تحلیلی برای بازآفرینی فضاهای شهری تاریخی با رویکردی تجربه‌محور و پاسخ‌گو به نیازهای عملکردی و زیبایی‌شناختی باشد.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی - توسعه‌ای است و با هدف ارتقای کیفیت تجربه حسی شهروندان در فضاهای شهری، با تمرکز بر میدان پانزده خرداد تهران، انجام شده است. این مطالعه در چارچوب پارادایم کیفی و با رویکرد پدیدارشناسانه به دنبال آن است که از طریق درک تجربه زیسته کاربران، ابعاد مختلف ادراکی و حسی فضا را آشکار سازد. با توجه به محوریت ادراکات حسی و نقش فعال کاربران در فرآیند شناخت، این پژوهش در دسته رویکردهای تفسیرگرایی زمینه‌گرا قرار می‌گیرد.

داده‌های تحقیق از دو روش اصلی به‌دست آمد: نخست، مشاهده میدانی به منظور ثبت و تحلیل عناصر کالبدی، طبیعی و سازمان فضایی میدان، و دوم، انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کاربران حاضر در فضا. جامعه آماری پژوهش شامل کاربران میدان از گروه‌های متنوعی همچون

بویایی، شنوایی، بساوایی و حتی در برخی موارد چشایی نیز غنا می‌یابد (وس گاه، ۱۳۹۵). دریافت‌های چندحسی از فضا، باعث شکل‌گیری تصویر ذهنی پایدارتری از محیط می‌شوند و در تثبیت حس مکان و خاطره‌مندی فضا مؤثرند (Ullerup Mathers, 2022). در ادراک شهری، بوهای آشنا، صداها، پیوسته یا متغیر، بافت‌های قابل لمس، جریان هوا و نور، همگی به‌عنوان عناصری حسی، نقش فعالی در تجربه فضا دارند. این تجربه چندحسی، زمانی به شناخت عمیق‌تری از فضا می‌انجامد که با زیست روزمره، رفتارهای اجتماعی و خاطرات فردی درآمیزد.

ادراک محیط شهری فرآیندی تک‌حسی و خطی نیست، بلکه حاصل درهم‌تنیدگی پویا و پیچیده حواس گوناگون در مواجهه با فضا است. در این فرآیند، هر حس نه تنها به‌صورت مستقل عمل نمی‌کند، بلکه در تعامل با سایر حواس معنا یافته و تجربه‌ای چندوجهی و یکپارچه از فضا را رقم می‌زند. به‌عنوان نمونه، بوی خاک مرطوب می‌تواند برداشت بصری از فضای سبز را تقویت کرده و تماس نسیم با پوست، ادراک شنیداری صدای آب را غنی‌تر سازد. این هم‌زمانی و هم‌افزایی حسی، تجربه‌ای عمیق‌تر از حضور در مکان ایجاد کرده و به شکل‌گیری حس تعلق و پیوند عاطفی با محیط یاری می‌رساند. چنین رویکردی را می‌توان با نظریه «منظر-پناهگاه» اپلتون نیز هم‌راستا دانست؛ نظریه‌ای که در آن، ادراک فضا نه صرفاً بر اساس ابعاد بصری، بلکه از رهگذر پیوندهای چندحسی و ایجاد احساس امنیت، آرامش و ارتباط بدنی با محیط تبیین

تحلیل‌نهایی پژوهش از تلفیق یافته‌های حاصل از نقشه‌های حسی و داده‌های مصاحبه‌ها به‌دست آمد. در این مرحله، ادراکات ذهنی کاربران با واقعیت‌های کالبدی و فضایی میدان مقایسه شد. بررسی‌ها نشان داد که بیشترین سطح درگیری حسی در مجاورت عناصر طبیعی مانند جوی‌های آب، حوض‌ها و فضاهای سبز پیرامونی رخ می‌دهد. این عناصر نه تنها در شکل‌گیری تجربه حسی نقش دارند، بلکه در ایجاد احساس آرامش، تعلق و مکث نیز مؤثرند.

در نهایت، ترکیب تحلیل فضایی، مشاهدات میدانی و داده‌های مصاحبه‌ای بستری برای ارزیابی چندلایه از میدان پانزده خرداد فراهم ساخت. این رویکرد جامع، امکان بررسی روابط میان ساختار کالبدی، کیفیت منظر، عملکرد اجتماعی و ادراک فردی کاربران را میسر کرد. نتایج نشان داد که میدان پانزده خرداد، به‌رغم تغییرات تاریخی و کالبدی، همچنان ظرفیت بالایی برای درگیر کردن حواس و شکل‌دهی به تجربه زیسته شهروندان دارد. این پژوهش با ارائه تصویری چندبعدی از میدان به‌عنوان فضایی تاریخی و پویا، بر اهمیت طراحی و برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر تجربه انسانی تأکید می‌کند و الگویی برای ارتقای کیفیت ادراکی فضاهای شهری در آینده ارائه می‌دهد.

## مبانی نظری

ادراک فضایی در فضای شهری، فرآیندی ذهنی و بدنی است که در نتیجه مواجهه حواس مختلف انسان با کیفیت‌های محیطی شکل می‌گیرد. این ادراک نه تنها به دریافت‌های بصری محدود نمی‌شود، بلکه از طریق حواس

در طراحی سنتی ایرانی، به‌ویژه در باغ‌سازی، این توجه به چندحسی بودن فضا از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. باغ ایرانی فضایی است که با هندسه‌ای منسجم و تعادلی دقیق میان آب، گیاه، نور و سایه، امکان ادراک چندوجهی را برای انسان فراهم می‌کند. جریان آب، رایحه گیاهان، صدای پرندگان، خنکی خاک و سایه درختان، همگی در خلق تجربه‌ای وحدت‌یافته از فضا ایفای نقش می‌کنند (عزیزی قهرودی و عسگری، ۱۴۰۱). این منطق فضایی، که بر پیوند میان هندسه و حواس بنا شده، در برخی نمونه‌های شهری نیز بازتاب یافته و می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل فضاهای شهری تاریخی به کار رود (پورصفوی، ۱۳۹۵).

در تحلیل فضاهای عمومی مانند میدان‌های شهری، لازم است این عناصر در کنار هم و در ارتباط با تجربه انسانی سنجیده شوند. حضور عناصر طبیعی، سازمان فضایی منطبق با قواعد هندسی، و نحوه ترکیب آن‌ها با عملکردهای روزمره و ادراک کاربران، مبنایی برای تحلیل کیفیت فضایی میدان‌ها فراهم می‌کند. میدان‌های شهری موفق، آن‌هایی هستند که علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی، بتوانند زمینه‌ای برای تحریک ادراک چندگانه، تعامل اجتماعی و تجربه‌خاطرهنگیز فراهم آورند (Dong et al., 2024).

بر این اساس، می‌توان چارچوبی نظری برای تحلیل فضاهای شهری تاریخی ترسیم کرد که در آن، از یک سو به ابعاد حسی ادراک فضا در قالب بو، صدا و لمس توجه

می‌شود. این درهم‌تنیدگی حسی در نهایت، بنیانی برای فهم غنی‌تر از محیط شهری و ارتقای کیفیت تجربه فضایی فراهم می‌آورد (Appleton, 1996).

پدیدارشناسی فضا به‌عنوان رویکردی در مطالعات محیطی و معماری، بر فهم تجربه زیسته افراد از فضا تأکید دارد. این رویکرد به‌جای تمرکز صرف بر فرم و عملکرد، به کیفیت‌های محسوس و نامحسوس فضا توجه می‌کند و تلاش دارد از خلال دریافت‌های انسانی، ساختارهای ادراکی محیط را آشکار سازد (Pauls, 2006). در پدیدارشناسی، فضا آن‌گونه معنا می‌یابد که توسط ساکنان و کاربران تجربه می‌شود. بنابراین، در تحلیل یک فضای شهری، باید به لایه‌های ذهنی، حسی و خاطره‌محور آن توجه کرد؛ لایه‌هایی که گاه در پس ساختارهای رسمی و کالبدی پنهان مانده‌اند.

از سوی دیگر، نظریه‌های معطوف به طراحی محیطی، به‌ویژه آن دسته که بر طراحی انسان‌محور و تجربه‌محور تأکید دارند، به نقش عناصر طبیعی و مصنوع در شکل‌دهی به کیفیت ادراک اشاره می‌کنند (صیاد و همکاران، ۱۳۹۸). حضور آب، گیاه، نور و سایه، صداهای طبیعی، تنوع مصالح و بافت‌های کف‌سازی، همگی عواملی هستند که می‌توانند سطوح مختلف ادراک فضایی را فعال کنند. این عناصر، در صورتی که در ترکیب و سازمانی معنادار با یکدیگر قرار گیرند، زمینه‌ای برای ارتباط عمیق‌تر فرد با محیط فراهم می‌آورند.

پیشینه شکل‌گیری میدان پانزده خرداد (نمایه ۲) به دوران صفوی، به‌ویژه زمان شاه‌تهماسب بازمی‌گردد، اما شکل کالبدی آن در دوره زندیه پایه‌گذاری شد و در زمان فتحعلی شاه قاجار و ناصرالدین شاه دچار تغییرات گسترده گردید. میدان در ابتدا بخشی از فضای ورودی ارگ سلطنتی بود که از طریق خندق و حصار از شهر جدا می‌شد. بعدها این میدان محل استقرار توپ‌ها و تحرکات نظامی گردید و با گذشت زمان، بناهایی چون حجره‌هایی برای توپچیان، انبارهای نظامی، حوض مرکزی و مسیرهای سنگ‌فرش‌شده برای درشکه‌ها در آن شکل گرفت. گیاهان و درختان متنوعی نیز در فضای میدان کاشته شد و با ایجاد باغچه‌ها و پایه‌های سنگی، نظم بصری میدان بهبود یافت (الهی و اردانه، ۱۳۹۰).

در دوره ناصری، میدان پانزده خرداد شاهد تحولات اساسی بود؛ از جمله انتقال توپچیان به میدان جدید توپخانه (میدان امام خمینی) و ایجاد حوضی هشت‌ضلعی برای آبرسانی به میدان و مناطق پیرامونی آن. همچنین، مسیرهایی برای عبور و مرور کالسکه‌ها و درشکه‌ها در پیرامون میدان تعبیه شد. معماری اطراف میدان با استفاده از طاق‌نماها، کاشی‌کاری‌ها و گیاه‌کاری ایرانی تزئین شد و به آن چهره‌ای منظم بخشید. در همین دوره، نام میدان به «باغ گلشن» تغییر یافت (هورشید و چابچی امیر خیز، ۱۳۹۶، ۱۵۵).

از نظر عملکردی، میدان پانزده خرداد همواره جایگاه نهادهای حکومتی و اداری بوده است. در زمان ناصرالدین

می‌شود؛ و از سوی دیگر، ساختارهای کالبدی، هندسی و منظرین به‌مثابه بستری برای شکل‌گیری این ادراکات در نظر گرفته می‌شود. این چارچوب، ادراک فضایی را حاصل تلاقی میان کیفیت‌های محیطی و تجربه زیسته کاربر می‌داند و در تلاش است تا از خلال بازخوانی لایه‌های حسی، فضایی و رفتاری، به شناختی عمیق‌تر از حیات فضایی مکان‌های تاریخی دست یابد.

## مطالعات و بررسی‌ها

میدان پانزده خرداد یکی از مهم‌ترین میادین تاریخی، حکومتی و شهری تهران است (نمایه ۱) که در منطقه ۱۲ و در هسته تاریخی شهر قرار گرفته. خیابان‌های خیام، پانزده خرداد، صوراسرافیل و ناصرخسرو آن را احاطه کرده‌اند. این میدان در گذشته با عنوان‌هایی چون میدان شاه، میدان توپخانه و باغ گلشن نیز شناخته می‌شد. موقعیت خاص آن در مجاورت بازار تهران و کاخ گلستان، نقش ویژه‌ای در ساختار شهری، حکومتی و فرهنگی تهران داشته و دارد.

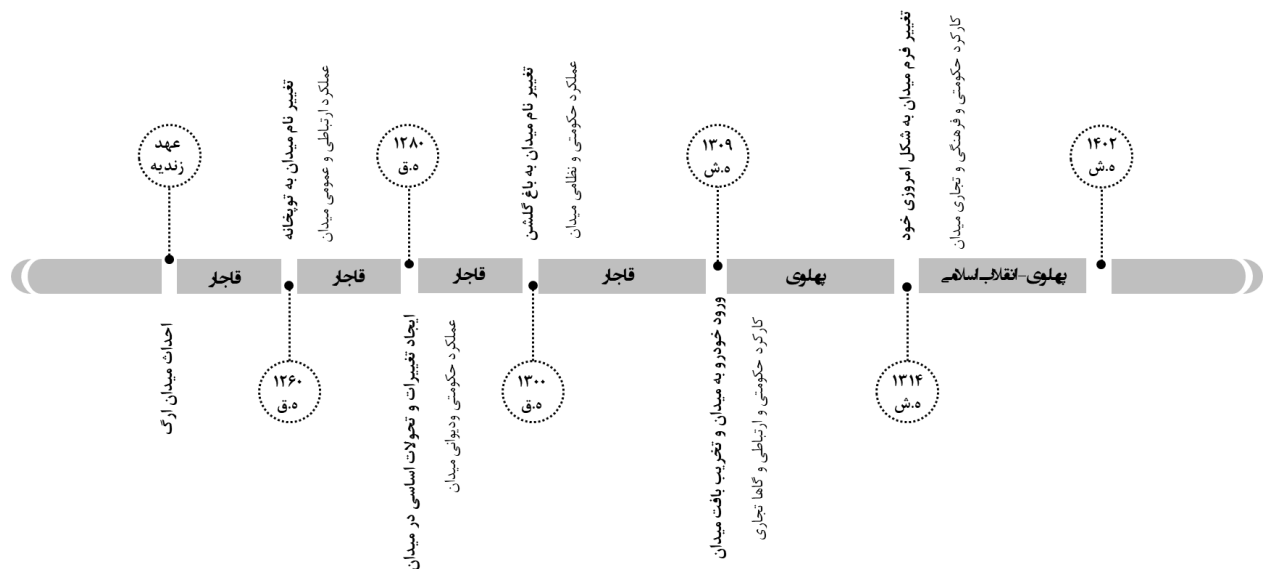


نمایه ۱- موقعیت کاربری‌های مهم پیرامون میدان پانزده خرداد، تدوین: نگارندگان.

شد. این بنا دارای دو طبقه با تزئینات معماری سنتی، طاق‌نماها، مقرنس‌کاری‌ها، ارسی‌ها و نقاشی‌های دیواری بود. یکی از نقوش برجسته آن، صحنه نبرد رستم و دیو بود که با کاشی‌های رنگی تزئین شده بود. این دیوار بعدها در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی برای عبور خودروها تخریب شد و کاشی‌های آن در ساخت ورزشگاه امجدیه مورد استفاده مجدد قرار گرفت. ساختمان کاخ دادگستری توسط گابریل گورکیان در سال ۱۳۱۶ باهدف احداث وزارت دادگستری در مساحت ۱۹۵۰ مترمربع و پنج طبقه بنا ساخته و در سال ۱۳۱۸ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. (ذکاء و سمسار، ۱۳۷۰، ۲۰) (هورشید، ۱۳۹۲، ۱۰۴).

شاه، بناهایی نظیر تلگراف‌خانه، دفترخانه، نقاره‌خانه و ساختمان‌هایی برای سکونت قراولان در پیرامون میدان وجود داشت. دروازه اصلی این میدان در بخش جنوبی قرار داشته و در ساعات شب به جهت جلوگیری از ورود و خروج به میدان بسته می‌شد. اتاق‌هایی بدون پنجره در بالای این دروازه برای نقاره‌چیان طراحی شده بود که در مناسبت‌های خاص سنت‌های سلطنتی را اجرا می‌کردند. (همان).

یکی از شاخص‌ترین بناهای پیرامون میدان، عمارت سردر بزرگ یا عالی‌قاپو بود که به دوره فتحعلی شاه بازمی‌گردد و در سال‌های بعد توسط علی‌آقای امین‌حضور بازسازی



## نمایه ۲- بررسی سیر تحولات عملکردی-تاریخی میدان پانزده خرداد، تدوین: نگارندگان.

و نهادهای فرهنگی و مذهبی نظیر مسجد ارگ، مدرسه دارالفنون، بازار تهران و رادیو تهران در اطراف آن جای گرفته‌اند. این استمرار عملکرد در کنار تاریخچه غنی،

در حال حاضر، میدان پانزده خرداد همچنان عملکرد حکومتی و اداری خود را حفظ کرده است. نهادهایی مانند دادسرای عمومی انقلاب، قوه قضائیه، اداره مالیاتی کشور،

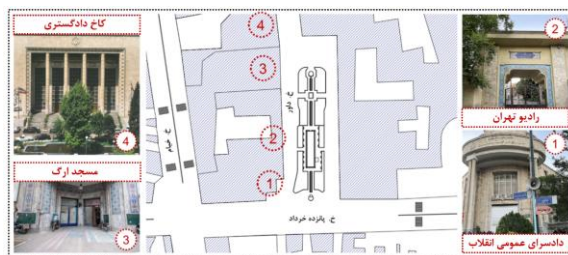
مکث، توقف و تعامل اجتماعی است. میدان پانزده خرداد به دلیل قرارگیری در محدوده ترافیکی و استفاده محدود از وسایل نقلیه موتوری، نسبت به میادینی مانند توپخانه و بهارستان، با آلودگی صوتی، بصری و هوایی کمتری مواجه است. طراحی پیاده‌راه‌ها و توجه نسبی به اقبال کم‌توان از دیگر عواملی است که باعث جذب مخاطب به میدان شده است.

در فضای میدان، عناصر طبیعی همچون درختان، بوته‌های گل و پوشش‌های سبز حاشیه‌ای نقشی مهم در ارتقای کیفیت محیط ایفا می‌کنند. این پوشش‌ها گرچه موجب آرامش بصری و کاهش آلودگی هوا شده‌اند، اما در برخی موارد دید به فضای بیرونی میدان را مختل کرده و احساس ناامنی در ساعات خلوت ایجاد کرده‌اند. حضور عنصر آب در قالب حوض، فواره و جوی‌های پلکانی نیز به جذابیت بصری و روانی فضا افزوده است.

یکی از ویژگی‌های شاخص میدان، جلوخان ورودی آن است که فضای مزار شهدا را در بر گرفته و پس از آن فضاهای نشیمن طراحی شده‌اند. این فضاها با درختان از هم تفکیک شده‌اند، اما به دلیل فاصله زیاد و تعداد کم، کارایی لازم برای استفاده عمومی را ندارند. نبود سایبان و سیستم جمع‌آوری آب باران از دیگر مشکلات طراحی این بخش به شمار می‌رود. اگرچه تلاش شده با کاشت درختان بلند در میانه نشیمن‌ها سایه ایجاد شود، اما همین درختان در لبه‌های میدان دید را محدود کرده و موجب احساس ناامنی شده‌اند.

میدان پانزده خرداد را به یکی از ارزشمندترین فضاهای شهری تهران بدل کرده است؛ فضایی که هم هویت تاریخی و هم نقش عملکردی خود را در طول قرون حفظ کرده و بازتابی از پیوند قدرت، فرهنگ و مردم در ساختار شهری پایتخت به شمار می‌رود (هورشید و چاپچی امیرخیز، ۱۳۹۶، ۱۵۹).

کالبد کلی میدان به صورت مستطیلی در جهت شمالی-جنوبی بوده که ضلع جنوبی و شمالی آن را کاربری‌های تجاری تشکیل می‌دهد. اغلب عملکردهای جداره‌های شرقی و غربی میدان به کاربری‌های حکومتی اختصاص دارد (نمایه ۳). از جمله این موارد می‌توان به دادسرای عمومی انقلاب، کاخ دادگستری، قوه قضائیه، اداره مالیاتی، کاخ نگارستان و همچنین دیگر کاربری‌های مهم این میدان نظیر مسجد ارگ، رادیو تهران و .... اشاره نمود.

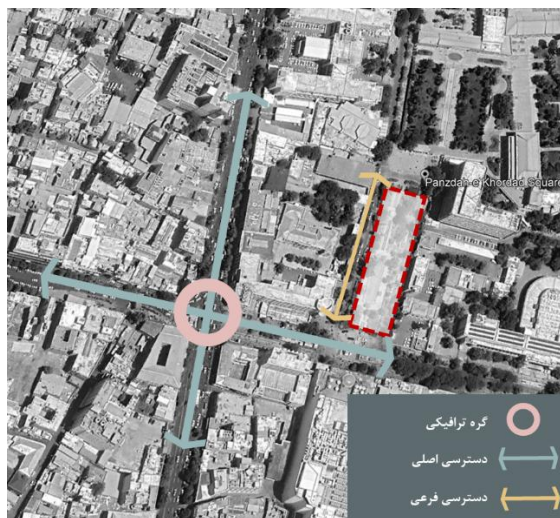


### نمایه ۳- بررسی وضع موجود کاربری‌های موجود در جداره میدان پانزده خرداد، تدوین: نگارندگان.

میدان پانزده خرداد به سبب موقعیت خاص خود در پیاده‌راه پانزده خرداد و نزدیکی به بازار تهران، توانسته عملکرد و مفهوم سنتی میدان را تا حد زیادی حفظ کند. برخلاف بسیاری از میادین شهری که به گره‌های ترافیکی یا فضاهای عبوری صرف تبدیل شده‌اند، این میدان همچنان محل



نمایه ۴ - موقعیت پایانه مترو و اتوبوس در بستر میدان، تدوین: نگارندگان.



نمایه ۵- شریان‌های اصلی و فرعی و گره‌های ترافیکی در بستر میدان، تدوین: نگارندگان.

در طراحی میدان تلاش شده با تفکیک مسیرهای پیاده و سواره و ایجاد اختلاف سطح، امنیت حرکتی افزایش یابد. هرچند ورود خودروها و موتورسواران به مسیرهای پیاده، به‌ویژه از سوی کارمندان نهادهای اطراف، یکی از چالش‌های موجود است. نزدیکی ایستگاه‌های مترو و اتوبوس نیز از نقاط قوت میدان به‌شمار می‌رود و هم در

در ساعات پایانی روز، با تعطیلی نهادهای حکومتی پیرامون میدان، فعالیت اجتماعی کاهش یافته و فضا حالت نیمه‌تعطیل به خود می‌گیرد. با اینکه ضلع جنوبی میدان به بازار منتهی می‌شود، استفاده از فضا در شب عمدتاً محدود به خرید و رفت‌وآمد است. فقدان امکانات متنوع سبب شده میدان برای گروه‌های سنی مختلف جذابیت چندانی نداشته باشد و بیشتر مورد استفاده کارمندان، سربازان و افراد مسن قرار گیرد.

اگرچه نورپردازی مناسبی برای میدان در نظر گرفته شده، اما به دلیل کاهش فعالیت اطراف، بهره‌برداری از روشنایی شبانه چندان مؤثر نیست. به‌طور کلی، طراحی منظر میدان با استفاده از عناصر طبیعی و مصنوعی به‌خوبی انجام شده و توانسته در ساعات اولیه روز مخاطبان را جذب کند، اما کمبود امکانات رفاهی، ضعف در مدیریت امنیت شبانه و محدودیت در تنوع کاربران، از جمله چالش‌های اصلی میدان پانزده خرداد در شرایط فعلی به‌شمار می‌آید.

میدان پانزده خرداد در مقایسه با میادین امام خمینی و بهارستان از نظم فضایی و کیفیت محیطی بهتری برخوردار است. این میدان در تقاطع خیابان پانزده خرداد (شریان اصلی) و خیابان داور (شریان فرعی) قرار دارد و جداره‌های شرقی و غربی آن عمدتاً در اختیار نهادهای حکومتی و دیوانی است. همین مسئله، همراه با نزدیکی به بازار تهران و کاخ نگارستان، موجب ترافیک قابل‌توجهی در خیابان پانزده خرداد شده است (نمایه ۴ و ۵).

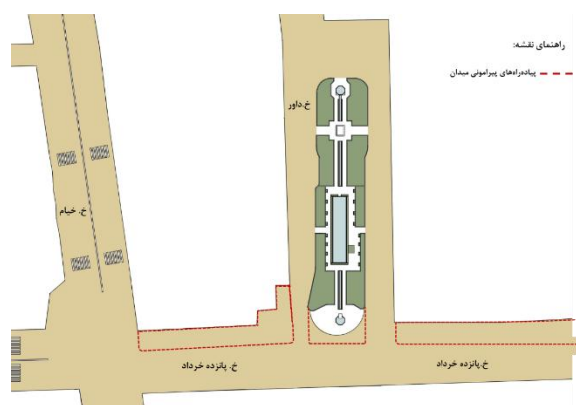
دل‌نشین برای گردهمایی‌های کوچک ایجاد کرده‌اند که در آن‌ها شکل‌گیری کلونی‌های اجتماعی به‌خوبی قابل مشاهده است.

فعالیت اجتماعی در میدان عمدتاً در ساعات عصر و شب به اوج می‌رسد. در این زمان بیشتر افراد مسن، کارکنان و سربازان نهادهای حکومتی برای استراحت و کسب آرامش روانی از میدان استفاده می‌کنند. در ایام خاص مانند مناسبت‌های مذهبی، به‌دلیل مجاورت با مسجد ارگ، میدان نقش فرهنگی-مذهبی نیز می‌یابد و میزبان جمعیت بیشتری از شهروندان می‌شود. طراحی فضای سبز میدان، از جمله استفاده از جوی‌های پلکانی و ایجاد سایه و محرمیت با درختان، سبب شده تا نارسایی‌های مبلمان مصنوعی کمتر به چشم بیاید. در چنین شرایطی، برخی گروه‌های اجتماعی حتی فضای سبز را برای نشستن انتخاب می‌کنند تا ارتباط مؤثرتری با یکدیگر برقرار سازند.

### یافته‌های تحقیق

بررسی الگوی رفتاری افراد در میدان نشان می‌دهد که محل‌هایی مانند کنار حوض ورودی، جوی‌های آب و نیمکت‌های مجاور آن‌ها از بیشترین استقبال برخوردارند (نمایه ۷).

کاهش ترافیک و هم در دسترس‌پذیری اقشار کم‌توان مؤثر بوده است. همچنین، قرارگیری میدان در حاشیه خیابان فرعی باعث شده ورود به میدان بدون عبور از گذر سواره‌رو اصلی امکان‌پذیر باشد. در مجموع، کیفیت مناسب پیاده‌راه‌ها و طراحی منطقی فضا، میدان را به محیطی ترغیب‌کننده برای حرکت و حضور مردم تبدیل کرده است (نمایه ۶).



نمایه ۶- بررسی وضعیت شریان‌های و پیاده‌راه‌های منتهی به میدان پانزده خرداد، تدوین: نگارندگان.

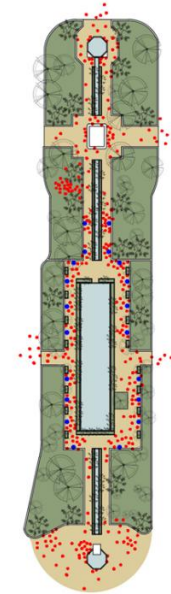
میدان پانزده خرداد از فعال‌ترین فضاهای شهری برای انجام فعالیت‌های اجتماعی در محدوده مرکزی تهران است. قرارگیری آن در حاشیه خیابانی کم‌تردد و مجاورت با بازار بزرگ تهران موجب افزایش تردد روزانه در میدان شده است. در کنار این موارد، کاربری‌هایی همچون مسجد ارگ و کاخ نگارستان نیز در افزایش جذب مخاطب نقش داشته‌اند. اگرچه چیدمان مبلمان شهری به‌خوبی پاسخ‌گوی تعاملات اجتماعی نیست، اما وجود جوی‌های آب، باغچه‌ها و حوض‌ها، فضاهایی غیررسمی و



تصویر ۲- فضاهای مکث در میدان پانزده خرداد،  
تدوین: نگارندگان.

در جریان تحلیل‌های کیفی این پژوهش، مجموع داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کاربران حاضر در میدان پانزده خرداد در قالب فرآیند کدگذاری باز تحلیل شد. هدف از این مرحله، دستیابی به مضامین اولیه و دریافت مستقیم تجربه زیسته کاربران نسبت به فضا بود؛ تجربه‌هایی که امکان شناسایی ابعاد حسی، عملکردی و ادراکی میدان را در بستر واقعی آن فراهم آورد. شرکت‌کنندگان در این مصاحبه‌ها از طیف‌های سنی، شغلی و جنسیتی متنوع انتخاب شدند و حضور مستمر یا گذری آن‌ها در میدان، بستری غنی برای استخراج داده‌های معنادار فراهم کرد.

در فرآیند کدگذاری باز، مقولات اولیه بر اساس تکرار، تأکید و نوع بیان مشارکت‌کنندگان شکل گرفت. یکی از نخستین کدهای پرتکرار، به «پناه‌جویی در فضا» اختصاص داشت. افراد میدان را فضایی برای فاصله گرفتن از شلوغی



راهنمای نقشه:

● موقعیت مبلمان موجود در میدان

● تجمع فعالیتی در میدان

نمایه ۷- نقشه رفتاری و فعالیت اجتماعی در میدان پانزده خرداد، تدوین: نگارندگان.

همچنین اکثر افراد، حاشیه‌ها و گوشه‌های میدان را برای نشستن ترجیح می‌دهند، جایی که حریم خصوصی نسبی و منظری مطلوب فراهم است. در مسیرهای منتهی به بازار، به‌ویژه در ضلع جنوبی، حضور اقشار متنوع اجتماعی بیشتر به چشم می‌خورد و میدان به نقطه‌ای برای توقف کوتاه و تعامل سریع میان رهگذران و خریداران تبدیل می‌شود (تصاویر ۱ تا ۲).



تصویر ۱- فعالیت‌های اجتماعی موجود در میدان پانزده خرداد، تدوین: نگارندگان.

عناصر طبیعی، بلکه به دلیل پیوستگی حسی میان اجزای فضا شکل گرفته است.

در میان واکنش‌ها، همچنین کدهایی پیرامون «ایمنی نسبی در روز و ناایمنی در شب»، «کاربری‌های رسمی و تأثیرشان بر رفتار فضایی»، «کمبود فضاهای نشیمن کارآمد» و «ابهام در مسیرهای حرکتی» نیز دیده شد. این موارد گرچه ارتباط مستقیمی با تجربه حسی نداشتند، اما زمینه‌ی شکل‌گیری ادراک فضایی کاربران و کیفیت استفاده آن‌ها از میدان را تحت تأثیر قرار می‌دادند. به‌ویژه کاربران نابینا یا کم‌توان به مشکلاتی چون ورود موتورسواران به پیاده‌راه‌ها و نبود نشانه‌های لمسی اشاره داشتند.

در مجموع، کدگذاری باز حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد (جدول ۱) که تجربه میدان پانزده خرداد برای بسیاری از کاربران، از سطح صرفاً عملکردی فراتر می‌رود و با حواس چندگانه، خاطره‌مندی، آرامش یا حتی نوعی پناه روانی پیوند خورده است. این داده‌ها تأیید می‌کند که کیفیت ادراکی میدان، به‌ویژه در ارتباط با آب، گیاه، صدا و بو، نقش قابل‌توجهی در شکل‌گیری تجربه فضایی ایفا می‌کند؛ تجربه‌ای که زمینه‌ساز تحلیل‌های پدیدارشناسانه و کالبدی در ادامه پژوهش خواهد بود.

بازار، تنش‌های شغلی و استراحت کوتاه معرفی می‌کردند. بسیاری از کاربران - به‌ویژه افراد مسن و کارکنان نهادهای اطراف میدان - از میدان به‌عنوان «محیطی آرام» با حضور صدای آب، سایه درختان و امکان نشستن یاد می‌کردند. در همین رابطه، «آب به‌عنوان صدای غالب فضا» کدی بود که بارها در مصاحبه‌ها مطرح شد. صدای جوی‌ها و فواره‌ها برای برخی مصاحبه‌شوندگان تداعی‌گر فضاهای آشنا و آرام در باغ‌های قدیمی یا خانه‌های کودکی‌شان بود.

کد پرتکرار دیگر، «یادآوری از طریق رایحه» بود. تعدادی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که بوی گل‌ها، رطوبت خاک و جریان آب در بخش‌هایی از میدان، حس آشنایی یا حتی آرامش را در آن‌ها برانگیخته است. به‌ویژه در صبح‌های زود، برخی افراد میدان را «خوش‌بوتر» توصیف می‌کردند و این ویژگی را یکی از جذابیت‌های تکرارپذیر میدان می‌دانستند.

از دیگر مقولات استخراج‌شده، می‌توان به «تجربه لمسی فضای میدان» اشاره کرد. بسیاری از افراد، تماس با آب در حوض‌ها و جوی‌ها، نشستن در سایه درختان و حس خنکی سنگ‌فرش در ساعات ابتدایی روز را بخشی از تعامل خود با فضا می‌دانستند. همچنین، برخی افراد به «احساس طبیعی بودن میدان» اشاره داشتند؛ مفهومی که نه فقط به خاطر

#### جدول ۱- کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده پیش از انجام مشاهدات میدانی و تحلیل، تدوین: نگارندگان.

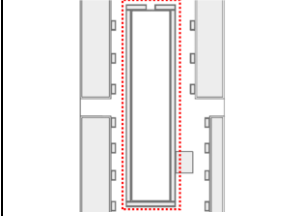
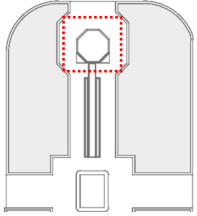
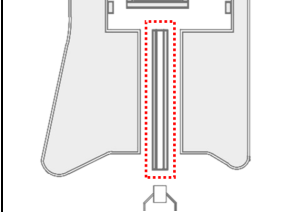
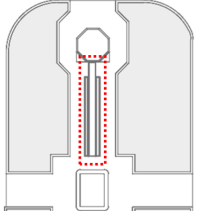
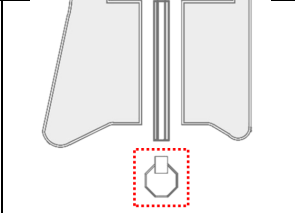
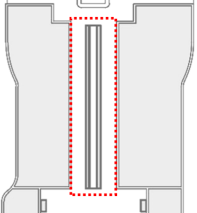
دسته مفهومی کلی	کد استخراج‌شده	شرح مختصر
ادراکات حسی بویایی	رایحه طبیعی آب و گیاه	ترکیب رایحه گیاه و آب در کناره جوی‌ها
	عطر خاک مرطوب	حس رطوبت در هوای صبحگاهی
	تحریک حافظه بویایی	تداعی فضاهای گذشته یا خاطرات

جریان مداوم، یکنواخت، آرام‌بخش	صدای آب جاری	<b>ادراکات حسی شنیداری</b>
صدای طبیعی و متغیر در فضا	صدای برگ در باد	
تداخل با تجربه شنیداری مطلوب	حضور صدای مزاحم موتور	
خنکی، طراوت، امکان لمس	تماس مستقیم با آب	<b>ادراکات حسی بساوی</b>
تفاوت بافت حسی در بخش‌های مختلف	بافت متنوع کف‌سازی	
بازی نور در سایه درختان	سایه‌روشن روی پوست	
توقف کوتاه برای رهایی ذهنی	پناه‌جویی از تنش بیرونی	<b>فضا و رفتار اجتماعی</b>
توقف کوتاه برای رهایی ذهنی	گردهمایی خودجوش پیرامون حوض‌ها	
فاصله زیاد، فقدان ارتباط انسانی	عدم استقبال از نیمکت‌ها	
توقف کوتاه برای رهایی ذهنی	نشستن در فضای سبز	
نبود جهت‌دهی بصری و فضایی	ابهام در مسیرهای حرکتی	<b>خوانایی و دسترسی فضایی</b>
اختلال در حرکت ایمن عابر	مزاحمت و وسایل نقلیه در پیاده‌راه	
نزدیکی مترو و اتوبوس	دسترسی مناسب از طریق مترو و اتوبوس	
وحدت حسی و بصری	ترکیب آب و گیاه در میدان	<b>فضای کالبدی و طراحی منظر</b>
غلبه رنگ سبز، کمبود گل و تنوع	نبود تنوع رنگی در پوشش گیاهی	
عدم تعامل جداره‌های حکومتی با میدان	فعال نبودن جداره‌های پیرامونی	
نبود جهت‌دهی بصری و فضایی	نبود کریدورهای بصری	
سکون نسبی در فضای میانی	آرامش نسبی در ساعات روز	<b>ایمنی و آرامش</b>
کاهش روشنایی و فعالیت انسانی	ناایمنی پس از ساعات اداری	
عدم طراحی ویژه برای نابینایان و سالمندان	نبود امنیت برای کاربران کم‌توان	

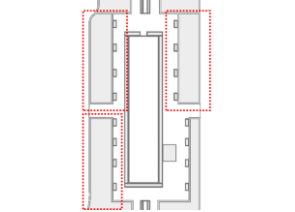
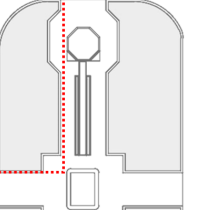
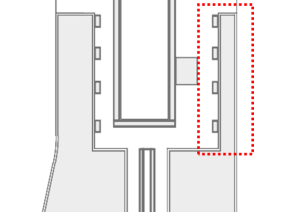
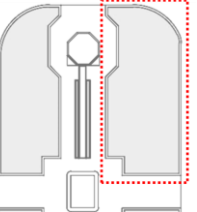
فضای سبز میدان حدود ۶۰ درصد از مساحت کل را تشکیل می‌دهد و عنصر آب نیز سهمی حدود ۱۰ درصد دارد که هر دو نقش مهمی در شکل‌گیری کیفیت فضایی ایفا می‌کنند. از ویژگی‌های بارز طراحی می‌توان به شفافیت ساختار فضایی اشاره کرد؛ به گونه‌ای که مخاطب به محض ورود، میدان را به‌طور کامل درک می‌کند و با فضایی ساده، خوانا و فاقد ابهام مواجه می‌شود. این وضوح در طراحی، میدان را به فضایی خوش‌تعریف و بی‌نیاز از کشف تدریجی تبدیل کرده است.

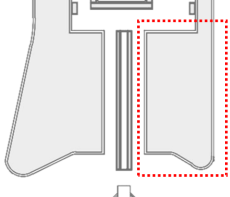
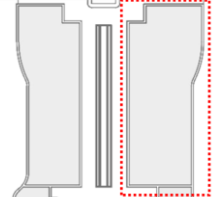
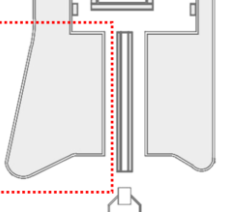
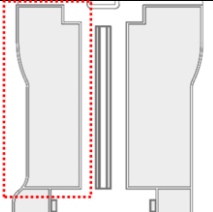
تحلیل پلان میدان پانزده خرداد نشان می‌دهد که طراحی آن به‌وضوح متأثر از اصول هندسه و معماری باغ ایرانی است. استفاده از محورهای افقی و عمودی، جلوخانه‌های ورودی و خروجی، جریان آب از طریق جوی‌های پلکانی تا حوض انتهایی و کورت‌بندی باغچه‌های اطراف همگی بازتابی از این الگو هستند. با وجود برخی کاستی‌ها در تناسبات هندسی بخش‌هایی از میدان، ترکیب کلی آن انسجام بصری مناسبی دارد و تناسباتی چون  $\sqrt{2}$ ،  $\sqrt{3}$ ،  $\sqrt{4}$  و  $\sqrt{1}$  در طراحی به کار رفته‌اند (جدول ۲ و ۳).

جدول ۲- بررسی تناسب موجود فضای آب در پلان میدان پانزده خرداد، تدوین: نگارندگان.

نسبت به کل	مساحت (m <sup>2</sup> )	تناسب اضلاع	محدوده مورد بحث	نسبت به کل	مساحت (m <sup>2</sup> )	تناسب اضلاع	محدوده مورد بحث
۰.۰۷۵	۲۸۸	۴.۸۵		۰.۰۰۵	۲۲	√۱	
۰.۰۰۶	۲۵	۱۳*√۲		۰.۰۰۴	۱۷	۹*√۲	
۰.۰۰۵	۲۲	√۱		۰.۰۰۷	۳۰	۱۳*√۳	
۰.۱۰	۴۰۵	جمع کل:					

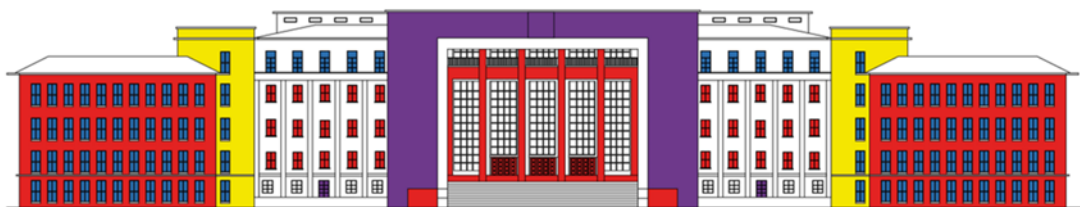
جدول ۳- بررسی تناسب فضای سبز موجود در پلان میدان پانزده خرداد، تدوین: نگارندگان.

نسبت به کل	مساحت (m <sup>2</sup> )	تناسب اضلاع	محدوده مورد بحث	نسبت به کل	مساحت (m <sup>2</sup> )	تناسب اضلاع	محدوده مورد بحث
۰.۰۹	۲۸۸	۲*√۳		۰.۰۶	۲۴۵	۲*√۲	
۰.۰۱۵	۶۰	۴*√۳		۰.۰۷	۲۹۰	√۵	

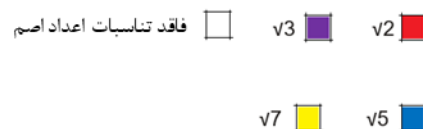
۰.۰۷	۲۷۵	$\sqrt{2}$		۰.۰۸	۳۰۵	۲.۴۰	
۰.۰۵	۲۱۷	$\sqrt{4}$		۰.۰۶	۲۵۵	$۲*\sqrt{۲}$	
۰.۵۹	۲۲۳۵	جمع کل:					

کاخ دادگستری با بهره‌گیری از اصول هندسی رایج در معماری زمان خود، دارای ترکیب بصری منظم و چشم‌نواز است. بر اساس داده‌های موجود در جدول ۱۰-۴، نسبت‌های هندسی غالب در طراحی این بنا شامل  $\sqrt{2}$  و به دنبال آن  $\sqrt{3}$  و  $\sqrt{5}$  است که به خوانایی، توازن و استواری نمای ساختمان کمک شایانی کرده‌اند. این تناسب‌ها باعث شده تا مخاطب در مواجهه با بنا، حس نظم و اقتدار معماری آن دوران را به وضوح درک کند.

در بررسی جداره‌های میدان پانزده خرداد، به دلیل حضور نهادهای امنیتی و حکومتی با قدمت تاریخی نسبتاً محدود، تمرکز اصلی بر تنها بنای تاریخی شاخص این میدان، یعنی کاخ دادگستری قرار گرفته است. این ساختمان که در دوره پهلوی اول احداث شده، در ضلع غربی میدان واقع شده و از جمله نمونه‌های بارز معماری متقارن آن دوران به‌شمار می‌آید.

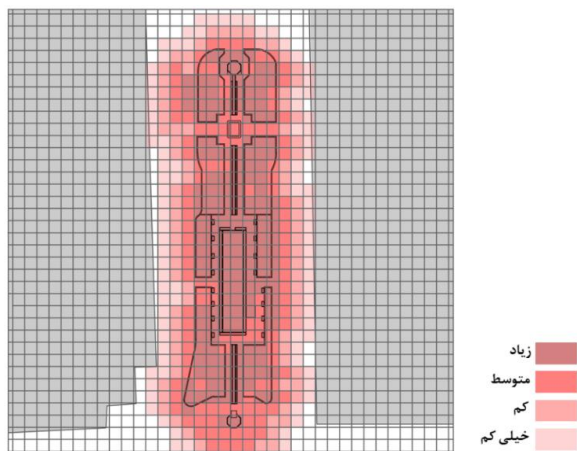


راهنمای نقشه:



نمایه ۸- بررسی تناسبیات موجود در نمای ساختمان کاخ دادگستری در میدان پانزده خرداد، تدوین: نگارندگان.

مجاور خیابان‌های داور و پانزده خرداد شدت بیشتری دارد. همین ویژگی ممکن است باعث شود برخی افراد در مراجعات بعدی، حتی بدون مشاهده مستقیم، موقعیت میدان را تشخیص دهند.



نمایه ۹- بررسی نقشه ارزیابی اثرات حسی - محیطی میدان پانزده خرداد از حیث بویایی، منبع، نگارنده

در بعد شنوایی (نمایه ۱۰)، بهره‌گیری از عنصر آب در قالب‌های گوناگون از جمله حوض، فواره و جوی‌های پلکانی، صداها را یکنواخت و طبیعی تولید می‌کند که در فضای میدان پراکنده‌اند. صدای جریان آب، برخورد آن با سطوح مختلف، و همچنین صدای باد در میان درختان، تجربه شنیداری آرام و مداومی برای کاربران ایجاد می‌نماید. طراحی میدان به گونه‌ای است که این صداها نه تنها به ارتقای کیفیت محیطی کمک می‌کنند، بلکه سبب درگیری تدریجی حس شنوایی مخاطب با فضا نیز می‌شوند.

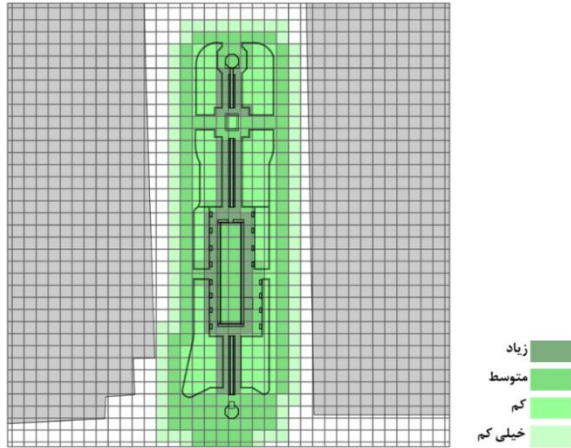
در تحلیل میدان پانزده خرداد از منظر تجربه حسی، توجه به ابعاد مختلف ادراک چندحسی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه هر یک از حواس می‌تواند به گونه‌ای متفاوت در شکل‌گیری تجربه زیسته و حافظه فضایی کاربران نقش آفرینی کند. طراحی این میدان با الهام از الگوهای باغ ایرانی و بهره‌گیری از عناصر طبیعی، شرایطی فراهم آورده که مخاطب نه تنها به صورت دیداری، بلکه از طریق بو، صدا و تماس فیزیکی نیز با فضا ارتباط برقرار نماید. بدین منظور در این بخش به بررسی نقش میدان در تحریک قوای بویایی، شنیداری و بساویی کاربران می‌پردازیم.

#### جدول ۴- تناسبات و فراوانی آن در نمای کاخ

دادگستری میدان پانزده خرداد، تدوین: نگارندگان.

فراوانی	تناسبات
۴	$\sqrt{2}$
۲	$\sqrt{3}$
۳	$\sqrt{5}$
۲	$\sqrt{7}$
۳	فاقد تناسبات اعداد اصم
$\sqrt{2}$	بیشترین فراوانی

میدان پانزده خرداد با بهره‌گیری از اصول طراحی باغ ایرانی، فضایی فراهم کرده که در آن چندین حس مخاطب به طور هم‌زمان درگیر می‌شود. یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های ادراکی این میدان، تحریک حس بویایی است (نمایه ۹). امتداد جوی‌های آب در طول میدان و هم‌جواری آن‌ها با گیاهان و گل‌ها باعث انتشار بوی خوش در بخش‌های مختلف فضا شده است. این ترکیب رایحه آب و گیاه، به ویژه در نقاطی مانند ورودی دوم میدان و لبه‌های

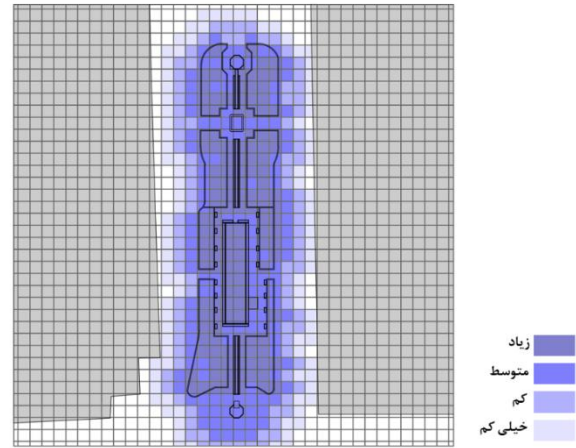


نمایه ۱۱- بررسی نقشه ارزیابی اثرات حسی - محیطی  
میدان پانزده خرداد از حیث بساویی، منبع، نگارنده

در مجموع، استفاده هماهنگ از آب، گیاه، بافت‌های متنوع و صداهاى طبیعی در طراحی میدان پانزده خرداد، نوعی ادراک فضایی چندحسی را شکل داده که تجربه حضور در میدان را از صرفاً بصری بودن فراتر برده و کیفیتی ملموس‌تر به آن بخشیده است.

### نتیجه پژوهش

بررسی‌های انجام‌شده پیرامون میدان پانزده خرداد نشان می‌دهد که این فضای شهری با تکیه بر الگوهای باغ‌سازی ایرانی و بهره‌گیری از عناصر طبیعی همچون آب، گیاه و سایه، بستری چندلایه برای درگیری حواس مختلف کاربران فراهم آورده است. تلفیق هوشمندانه عناصر طبیعی در بخش مرکزی میدان موجب شده این بخش به نقطه‌ای با بیشترین میزان تحریک حسی تبدیل شود و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تجربه ادراکی کاربران ایفا کند. تحلیل کیفی سه حس بساویی، بویایی و شنیداری نشان می‌دهد که طراحی میدان فراتر از کارکردهای



نمایه ۱۰- بررسی نقشه ارزیابی اثرات حسی - محیطی  
میدان پانزده خرداد از حیث شنیداری، منبع، نگارنده

در ارتباط با حس بساویی (نمایه ۱۱)، میدان امکان تماس مستقیم کاربر با عناصر طبیعی را فراهم کرده است. وجود حوض‌هایی با ارتفاع کم در مرکز و کناره میدان، و همچنین جوی‌های آب قابل دسترس، شرایطی را به وجود آورده‌اند که افراد بتوانند دستان یا پاهای خود را در تماس با آب قرار دهند. از سوی دیگر، قرارگیری درختان بلند در مجاورت فضاهای نشیمن، علاوه بر ایجاد سایه، باعث شکل‌گیری بازی نور و سایه بر پوست کاربران شده که خود نوعی تحریک غیرمستقیم حس لامسه است. همچنین در بخش جنوبی میدان که به بازار تهران منتهی می‌شود، تغییر در نوع سنگ‌فرش و بافت کف‌سازی منجر به تنوع حسی در راه‌رفتن شده و نوعی تجربه لمسی متفاوت برای پاها فراهم می‌آورد.

می‌دهد که برای ارتقای تجربه ادراکی میدان، توجه به تنوع رنگی، طراحی مسیرهای هدفمند و تقویت پیوندهای بصری ضروری است.

تحلیل کالبدی و هندسی میدان نیز نشان می‌دهد که طراحی کلی آن با الهام از تناسبات و ساختارهای هندسی باغ ایرانی شکل گرفته و انسجام ساختاری قابل توجهی دارد. نسبت‌های ریاضی موجود در چیدمان عناصر فضایی، یادآور الگوهای سنتی در طراحی باغ‌های تاریخی هستند و ترکیب این ساختار با حضور کاخ دادگستری در ضلع غربی میدان، هرچند ناهمخوان با معماری سنتی، به ثبات و تعریف فضایی میدان کمک کرده است.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات پیشین درباره نقش عناصر طبیعی و چندحسی در ارتقای کیفیت فضاهای شهری هم‌راستا است و تأکید دارد که طراحی محیط‌های شهری با در نظر گرفتن ابعاد ادراکی می‌تواند به شکل‌گیری پیوندی عمیق‌تر میان انسان و فضا منجر شود. با این حال، تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که میدان پانزده خرداد هنوز ظرفیت‌هایی برای توسعه و تعمیق تجربه حسی دارد. برای دستیابی به این هدف، اتخاذ رویکردی راه‌حل‌گرایانه در طراحی شهری ضروری است؛ از جمله افزایش تنوع و پراکنش گیاهان و گل‌های رنگی، طراحی مسیرهای حرکتی با منطق ادراکی و بصری مشخص، تقویت پیوستگی سکانس‌های حسی در امتداد مسیرهای پیاده و ایجاد فضاهای مکث که تجربه بویایی، شنیداری و بساواپی را در هم ادغام کنند.

کالبدی، بر شکل‌گیری ارتباط عاطفی، خاطره‌مند و چندوجهی میان فضا و مخاطب تأثیر گذاشته است.

در بعد بویایی، ترکیب رایحه‌های گیاهان، رطوبت خاک و جریان آب، به‌ویژه در ساعات اولیه روز، محیطی خوش‌بو ایجاد کرده که در حافظه بویایی کاربران ماندگار می‌شود و حتی رهگذران خیابان‌های اطراف را نیز درگیر تجربه بویایی میدان می‌کند. در بعد شنیداری، صدای حرکت آب در جوی‌ها، برخورد آن با سنگ‌فرش‌ها، صدای فواره‌ها و وزش باد در میان درختان، طیفی از اصوات طبیعی و ملایم پدید می‌آورد که بدون غلبه بر فضا، پیوندی ناخودآگاه میان کاربر و محیط برقرار می‌کند. در حوزه بساواپی نیز امکان تماس مستقیم با آب، ارتفاع مناسب لبه‌ها برای نشستن، سایه‌اندازی درختان و تغییر بافت کف‌سازی‌ها تجربه‌ای ملموس و چندوجهی را برای کاربران رقم می‌زند و حضور بدنی آنان در فضا را تقویت می‌کند.

با وجود این نقاط قوت، ارزیابی‌ها حاکی از برخی کاستی‌ها نیز هست. پوشش گیاهی میدان از نظر تنوع رنگی و تحریک بصری چندان قوی عمل نکرده و تمرکز گیاهان در لبه‌های میدان موجب کاهش غنای بصری شده است. مسیرهای حرکتی نیز به دلیل انسداد دید، نبود کریدورهای بصری مناسب و عدم امتداد منطقی به نقاط شاخص، نتوانسته‌اند ارتباطی ادراکی و بصری مؤثر میان اجزای مختلف میدان برقرار کنند؛ موضوعی که با اصول طراحی در باغ‌سازی ایرانی همخوانی ندارد. این کاستی‌ها نشان

**برگرفته از پایان نامه:** این مقاله مستخرج از پایان نامه ارشد نگارنده اول با عنوان «تحلیل پدیدارشناسانه عنصر آب در میداین شهری - حکومتی تهران» است که در دانشگاه علم و فرهنگ با راهنمایی نگارنده دوم انجام پذیرفته است.

### منابع

پورصفوی، فرنوش. (۱۳۹۵). آشتی شهر و طبیعت. منظر، ۸(۳۵)، ۳۰-۳۹.

حسینی گوهری، پیمان، اکبری، علی، افهمی، رضا. (۱۴۰۲). پدیدارشناسی تولید فضای شهری در تجربه زیسته شهروندان تهران از فضاهای عمومی فرهنگی، نشریه گفتمان طراحی شهری، ۴(۲)، ۲۷-

۴۳. URL: [https://udd.modares.ac.ir/article\\_23240.html](https://udd.modares.ac.ir/article_23240.html)

ذکاء، یحیی، سمسار، محمدحسن. (۱۳۷۰) تهران در تصویر، تهران: انتشارات سروش.

رنجبر کرمانی، علی محمد، میرمیران، سیده مهدیه. (۱۴۰۲). بهبود کیفیت فضای شهری با افزودن به غنای محرک های حسی محیط (نمونه موردی: گذر هوسم، رودسر)، نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۸(۱۴)، ۴۷-۶۶. DOI:

[10.61186/ciauj.8.2.81](https://doi.org/10.61186/ciauj.8.2.81)

سجادزاده، حسن، حقی، محمدرضا. (۱۳۹۶). مقایسه تطبیقی کیفیت محیطی پیاده‌راه‌های تجاری و بازارهای سنتی (نمونه موردی: پیاده‌راه پانزده خرداد و بازار قدیم تهران). نشریه معماری و شهرسازی

آرمان‌شهر، ۱۰(۲۱)، ۴۹-۵۹. URL:

[https://www.armanshahjournal.com/article\\_58558.html](https://www.armanshahjournal.com/article_58558.html)

سخت‌دوست، نوشین، البرزی، فریبا. (۱۳۹۸). بازتاب نقش نشانه‌شناسی در فرآیند گذر از فضا به مکان در مجموعه تاریخی سعدالسلطنه قزوین. فصلنامه مطالعات شهری، ۸(۳۲)، ۴۷-۶۴. DOI:

[10.34785/J011.2019.156](https://doi.org/10.34785/J011.2019.156)

چنین اقداماتی می‌تواند تجربه کاربران از میدان را از سطح درک حسی صرف به سطحی عمیق‌تر از تعامل ادراکی و خاطره‌مند ارتقا دهد و موجب شود فضا نه تنها بستری برای فعالیت‌های اجتماعی، بلکه مکانی برای شکل‌گیری حس تعلق و ارتباط پایدار میان انسان و محیط باشد. در این چارچوب، میدان پانزده خرداد را می‌توان الگویی ارزشمند برای بازآفرینی و طراحی فضاهای عمومی تاریخی دانست که ضمن حفظ هویت فرهنگی، با نیازهای معاصر سازگار می‌شود و درکی چندوجهی از حضور در فضا را فراهم می‌آورد.

در مجموع، نتایج این پژوهش بر اهمیت توجه به طراحی چندحسی در فضاهای شهری تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت تجربه ادراکی می‌تواند نقشی کلیدی در افزایش کارایی، جذابیت و پویایی فضاهای عمومی ایفا کند. میدان پانزده خرداد نمونه‌ای روشن از این رویکرد است که با اصلاحات هدفمند و آگاهانه، می‌تواند به بستری ماندگار برای تعامل انسان و محیط شهری در سطوح عملکردی، زیبایی‌شناختی و ادراکی تبدیل شود.

### تشکر و قدردانی

از همکاری و راهنمایی کسانی که در تدوین مقاله نقش داشته‌اند.

### ملاحظات اخلاقی:

حامی مالی: -----

**تعارض منافع:** طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

هورشید، شقایق. (۱۳۹۲). کاوش نجات بخشی میدان ارگ تهران. فصلنامه علمی اثر، ۳۴ (۶۲)، ۱۰۱-۱۱۶.

هورشید، شقایق، چاپچی امیرخیز، احمد. (۱۳۹۶) باستان‌شناسی شهری تهران؛ کاوش میدان ارگ. تهران: نشر سمیرا.

الهی، سروین، اردانه، سحر. (۱۳۹۰). ارزیابی طرح پیاده‌راه پانزده خرداد تهران. منظر، ۳ (ویژه نامه زندگی پیاده در شهر)، ۷۴-۷۹

URL: [https://www.manzar-79.sj.com/article\\_5861\\_22.html](https://www.manzar-79.sj.com/article_5861_22.html)

وس کاه، آیدین. (۱۳۹۵). پدیدارشناخت یوهانی پالاسما در تفاوت جایگاه ادراکات حسی معماری بافت‌های شهری و روستایی، نشریه مدیریت شهری، ۱۵ (۴۴)، ۴۳۹-۴۵۸.

URL: <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-1196-fa.html>

Appleton, J. (1996). *The Experience of Landscape*. London: Wiley.

Bélanger, A. (2002). Urban space and collective memory: Analysing the various dimensions of the production of memory. *Canadian Journal of Urban Research*, 69-92. URL: <https://www.jstor.org/stable/44320695>

Beydoun, A.J. N. (2016). *Place identity in urban places in Jeddah* (Master's thesis, Effat University). Supervised by Prof. Noraini B. Yusof & Dr. Ahmad Refaat, Effat University. URL: <https://repository.effatuniversity.edu.sa/handle/20500.14131/137>

Cao, X., Wang, L., Yang, X., & Liu, Y. (2024). How Do Urban Nature Parks Contribute to Psychological Restoration? The Perspective of Embodied Experience. *Leisure Sciences*, 1-21. DOI: [10.1016/j.ufug.2015.12.003](https://doi.org/10.1016/j.ufug.2015.12.003)

Dong, W., Dai, D., Shen, P., Zhang, R., & Liu, M. (2024). How Public Urban Space Enhance Restoration Benefits Through Combined Multisensory Effects: A Systematic Review. *Land*, 13(12), 2018. DOI: [10.3390/land13122018](https://doi.org/10.3390/land13122018)

شکیبامنش، امیر، کوبی، مهدیه. (۱۴۰۲). بررسی رویت‌پذیری عناصر تاریخی در منظر شهری با استفاده از تحلیل‌های مبتنی بر آیزوویست دوبعدی (مطالعه موردی: کاخ گلستان تهران).

اندیش‌نامه شهر، ۱۱ (۱)، ۵۱-۶۰. URL: [http://urband.journal.art.ac.ir/article\\_853.html](http://urband.journal.art.ac.ir/article_853.html)

صیاد، امیرحسین، غریب پور، افرا، دلشاد سیاهکلی، مهسا. (۱۳۹۸). فضا‌مندی و بدن‌آگاهی: بازخوانش مفهوم فضا در

تجربه معماری (نمونه موردی: موزه هنرهای معاصر تهران)، باغ نظر، ۱۶ (۷۵)، ۷۱-۸۲. DOI: [10.22034/bagh.2019.190727.4172](https://doi.org/10.22034/bagh.2019.190727.4172)

[10.22034/bagh.2019.190727.4172](https://doi.org/10.22034/bagh.2019.190727.4172)

ظریف‌پور لنگرودی، آناهیتا، البرزی، فریبا، سهیلی، جمال‌الدین. (۱۴۰۰). بررسی نماهای خیابان‌های شهری از منظر

ادراک شهروندان (نمونه موردی: پیاده‌راه ۱۵ خرداد، تهران). فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۲ (۶۶)، ۳۲۵-۳۴۱

DOI: [10.52547/jgs.22.66.325.341](https://doi.org/10.52547/jgs.22.66.325.341)

عرفان منش، ساحل، محمودی، سکینه خاتون. (۱۴۰۳). تأملی در جلوه‌های بصری محرم از منظر ادراک هاپتیکی (مطالعه موردی: شهر اصفهان - محرم ۱۴۰۲). باغ نظر، ۲۱ (۱۳۵)، ۴۱-۵۰.

DOI: [10.22034/bagh.2024.448683.5578](https://doi.org/10.22034/bagh.2024.448683.5578)

عزیزی قهرودی، مهرداد و عسگری، علی. (۱۴۰۱). پدیدارشناسی باغ ایرانی براساس نظریه روانشناختی ادراک

گشتالت (نمونه موردی: باغ شازده ماهان). هنر و تمدن شرق، ۱۰ (۳۵)، ۴۵-۵۶. DOI: [10.22034/jaco.2022.328716.1232](https://doi.org/10.22034/jaco.2022.328716.1232)

[10.22034/jaco.2022.328716.1232](https://doi.org/10.22034/jaco.2022.328716.1232)

فتحی، راضیه، عسگری، علی. (۱۴۰۲). واکاوی تناسبات پرتکرار در تحولات جداره میدان امام خمینی (ره) تهران.

اقتصاد و برنامه ریزی شهری، ۴ (۲)، ۲۲۸-۲۴۲. DOI: [10.22034/uep.2023.409994.1390](https://doi.org/10.22034/uep.2023.409994.1390)

[10.22034/uep.2023.409994.1390](https://doi.org/10.22034/uep.2023.409994.1390)

Heinrich, B. (2015). perceptibility-towards understanding of perceived spatial qualities (Doctoral dissertation, Wien).

Jaff, A. A. M., Erçin, Ç., & Onur, Z. (2023). Assessing the soundscape characteristics of Historical urban environments: an analysis of the Historical Erbil Citadel and its environments. *Buildings*, 13(12), 3091. DOI: [10.3390/buildings13123091](https://doi.org/10.3390/buildings13123091)

Javadi, H. (2016). Sustainable urban public squares. *European Journal of Sustainable Development*, 5(3), 361-361. DOI: [10.14207/ejsd.2016.v5n3p361](https://doi.org/10.14207/ejsd.2016.v5n3p361)

Liu, C., Wu, W., Ouyang, J., Yan, J., & Tang, L. (2025). Influence of Multisensory Perceptions on Thermal Comfort in Heat Wave Weather with Different Heat Pressures. *Ecosystem Health and Sustainability*, 11, 0305. DOI: [10.34133/ehs.0305](https://doi.org/10.34133/ehs.0305)

Parker, M., Spennemann, D. H., & Bond, J. (2024). Recognising Tactual Aspects of the Urban Environment Through Walking—A Critical Discussion of Touch-, Tactile-, and Haptic-Based Sensewalk Methodologies. *Urban Science*, 8(4), 238. DOI: [10.3390/urbansci8040238](https://doi.org/10.3390/urbansci8040238)

Pauls, E. P. (2006). The place of space: Architecture, landscape, and social life. *Historical archaeology*, 65-83. DOI: [10.5117/JEL.2020.1.47039](https://doi.org/10.5117/JEL.2020.1.47039)

Ullerup Mathers, E. (2022). The Impact of Nature-Based Sensory Experiences on Outdoor Behavior. URL: <https://minds.wisconsin.edu/handle/1793/83548>